

**می‌خواهم
برای بچه‌های سرپل
عینک بسازم**

داود منتظری و همسرش ید طولایی در کمک‌سانی به مناطق محروم دارند. آنها علاوه بر سفرهای متعدد به روستاها و شهرهای محروم کشور، پس از زلزله کرمانشاه نیز در دو مرحله مواد غذایی، پوشاک، لوازم تحریر و... تهیه کردند و سراغ روستاهای زلزله‌زده شیری آب، سید ایز و... در مسیر سرپل ذهاب به قصرشیرین رفتند. داود منتظری می‌گوید: «همراه با همسرم بسته‌های مواد غذایی، پوشاک، کیف، کفش و... را میان چادرهای مناطق زلزله‌توزیع کردیم. پای درد دل پدران و مادران و بچه‌هایی که عزیز از دست داده بودند، نشستیم. اما می‌خواهم اگر شرایطش فراهم شود، با همکاری هلال‌احمر یکبار دیگر به سرپل ذهاب و مناطق زلزله‌زده بروم. آنجا هم افرادی هستند که یک اپتومتر بست می‌تواند نمره چشم‌شان را بگیرد و برایشان عینک بسازد.»



زندگی با عینک مهربانی

خانواده آقای منتظری در کمک به دانش آموزان مناطق محروم سیستان و بلوچستان سنگ تمام گذاشته‌اند

بیش از یک دهه است که مغازه عینک‌سازی‌اش در خیابان مخابرات اراک، محل رفت‌وآمد نیازمندان است. داود منتظری بی‌مزد و منت، نمره چشم افراد کم‌بضاعت را می‌گیرد و برایشان عینک طبی رایگان می‌سازد. دستگیری از نیازمندان اما در خانواده منتظری یک قانون است. از سفر به سرپل ذهاب و کمک به خانواده‌های زلزله‌زده تا سفر به سیستان و ساخت عینک رایگان برای کودکان محروم سیستان. سفر خانواده هلالی آقای منتظری به سیستان اما تنها به ساخت عینک و توزیع بسته‌های غذایی و لوازم تحریر ختم نمی‌شود. فرزند و عروس این خانواده نیز دست‌کمی از بزرگ‌ترها ندارند و قرار است به زودی کار ساخت حمام و سرویس بهداشتی را در روستاهای سیستان آغاز کنند. در این گزارش با خانواده آقای منتظری که همگی از اعضای داوطلب هلال‌احمر استان مرکزی هستند گفت‌وگو کرده‌ایم.

اینجا با توفیق نیازمندان است

داود منتظری / سابقه عضویت: ۱۰ سال

برای اپتومتر بست اراکی که لباس داوطلبی را نیز به تن کرده، تنها یک حرقه کوچک کافی بود تا قدم در راهی پرپرکت بگذارد. مسیری که ۱۰ سال هست آن را شانه به شانه همسر و فرزندش برای کمک به خانواده‌های محروم طی می‌کند: «آن روز خنمی به مغازه‌ام آمد و برای فرزندانش سفارش عینک داد. چشم‌های هر سه فرزندش ضعیف بودند و باید برای آنها عینک تهیه می‌کرد. آن زن اما نگران هزینه عینک‌ها بود. بچه‌ها محصل بودند و بدون عینک کارشان سخت می‌شد. چیزی نمی‌گفت اما خوب معلوم بود که پول ساخت عینک‌ها را ندارد. فهمیدم همسرش در اثر حادثه‌ای قطع نخاع شده و توانایی حرکت ندارد و مانده بود و تأمین معیشت خانواده‌اش. می‌دانستم اگر کاری نکنم شاید قید عینک‌ها را بزنند. چون حتما خرج‌های مهم‌تری در خانه داشتند. آن روز عینک‌ها را برای بچه‌هایش رایگان ساختم.» این قصه انگار نقطه آغاز راه آن پرپرکت بود و اکنون نیازمندان بسیاری از مراکز مختلف برای ساخت عینک رایگان و نیم‌بها سراغ آقای داود می‌آیند. داوطلب اراکی‌ام می‌گوید: «هر عینکی که برای نیازمندی‌ها ساختم، چند برابر برکت آن کار خیر به زندگی‌ام برگشت. به هلال‌احمر، بهزستی، مدارس استثنایی و انجمن نابینایان همکاری می‌کنم و آنها نیازمندی‌ها را که شناسایی کرده‌اند برای ساخت عینک به من معرفی می‌کنند.»

ماجرای دمپایی‌های ۵ هزار تومانی

زهر منتظری / داوطلب جمعیت هلال‌احمر
داود منتظری برای توزیع عینک‌ها همراه با تمام اعضای خانواده‌اش به سیستان و بلوچستان رفت. این بار اما علاوه بر تهیه عینک، تمام اعضای خانواده تصمیم گرفتند با تهیه اقلام و بسته‌های حمایتی برای مردم ایدوچ، دست پر سراغ خانواده‌های کم‌بضاعت سیستانی بروند. حتی برخی از مشتریان عینک‌سازی نیز با اطلاع از نیت خیر این خانواده هلالی قدم پیش گذاشتند و در حد توان در انجام این کار خیر سهیم شدند. زهر منتظری که او هم مانند شوهرش داوطلب جمعیت هلال‌احمر است، می‌گوید: «چند سال پیش از این سفر نیز یکبار دیگر به سیستان رفته بودیم و از میزان محرومیت سیستانی‌ها باخبر بودیم. این بار اما وقتی قرار شد همه اعضای خانواده به ایدوچ برویم، همگی دست به کار شدیم و توانستیم ۱۰۰ بسته مواد غذایی، ۱۰۰ بسته لوازم تحریر و اسباب‌بازی تهیه کنیم. عینک‌ها را که تحویل دادیم از این روستا به آن روستا می‌رفتیم و کمک‌ها را میان مردم مهربان سیستان توزیع می‌کردیم.» زهر منتظری اما ماجرای دانش‌آموز پسر سیستانی را تعریف می‌کند که او تمام خانواده را برای به تکاپوی تهیه کمک‌های

شیر آب داشتند. روستای انجیروک با ۳۰ نفر جمعیت و تنها یک شیر آب که در طول روز هم زمان زیادی آب نداشت. در آن روستا حتی سرویس بهداشتی و حمام هم دیده نمی‌شد. هنوز از روستا خارج نشده بودیم که همسر تصمیمش را با من در میان گذاشت. گفت هزینه مراسم ازدواج را خرج ساخت حمام و سرویس بهداشتی در منطقه ایدوچ کنیم. فاطمه گودرزی هم می‌گوید: «اینکه چنین امکانات اولیه‌ای برای بچه‌های روستا یک رویا بود، اجازه نداد بی‌تفاوت از کنار مشکلات‌شان بگذریم. تصمیمم را با همسرم در میان گذاشتم و با موافقت او حالا حدود ۱۰۰ میلیون تومان برای ساخت سرویس بهداشتی و حمام در نظر گرفته‌ایم. امیدواریم بتوانیم با این مبلغ ۲۵ تا ۳۰ سرویس بهداشتی و حمام در چند روستای منطقه ایدوچ با کمک خود ساکنان روستا بسازیم.»

هزینه مراسم ازدواج مان را خرج کمک به مردم سیستان می‌کنیم

فرزند و عروس خانواده منتظری نیز عضو داوطلب هلال‌احمر هستند. زوج جوانی که در آستانه آغاز زندگی مشترک، شانه به شانه پدر و مادر راهی سیستان و بلوچستان شدند تا آنها هم مرهمی برای درد کودکان سیستانی باشند. نیکزاد منتظری و همسرش فاطمه گودرزی اگر چه در ابتدا برای توزیع بسته‌های حمایتی و تحویل عینک‌ها به سیستان رفته بودند اما اکنون تصمیم بزرگ دیگری گرفته‌اند. آنها هزینه مراسم ازدواج‌شان را وقف کمک به مردم سیستان کرده‌اند. نیکزاد منتظری از تصمیم مشترک خود و همسرش می‌گوید: «وقتی قرار شد پدر و مادر برای تحویل عینک‌ها به ایدوچ بروند، من و همسرم نیز در این سفر با آنها همراه شدیم. آنجا روستایی را دیدیم که مردمش برای تأمین آب مورد نیاز تنها یک

منتظری اما خاطره شیرین تحویل عینک به یکی از دختران دانش‌آموز را این‌طور تعریف می‌کند: «وقتی نمره عینکش را گرفتم، چهره‌اش در خاطرم ماند. دانش‌آموز دبستان بود اما معلوم نبود با آن چشم‌های ضعیف و تار چگونه درس می‌خواند. پدرش می‌گفت کرایه رفتن به زاهدان را هم ندارند چه برسد به اینکه پی بیماری‌شان را بگیرند و برای دختر کوچکشان عینک بخرند. اما روز تحویل عینک که همگی به سیستان رفتیم، دخترک برای گرفتن عینک آمد. می‌دانستم وقتی عینک را به چشم‌هایش بزنند تاری چشم‌هایش کنار برود، خوشحال خواهد شد. همین که عینک را روی چشم‌هایش گذاشت، بهت‌ش زد. به اطراف نگاه می‌کرد و می‌گفت چرا همه جا آنقدر روشن شده. از خوشحالی انگار بال درآورده بود و همین‌طور بالا و پایین می‌پرید. به خودمان که آمدیم، دیدم از شادی او همه ما هم داریم لبخند می‌زنیم.»

دنیاش با عینک روشن شد

منتظری چندی پیش همراه با کاروان سلامت استان مرکزی راهی استان سیستان و بلوچستان شد. وقتی شنید چشم بچه‌های سیستان ضعیف است و دانش‌آموزان بسیاری ممکن است به همین دلیل از درس و مدرسه محروم شوند، کوله‌بارش را برای سفر به سیستان

همین که عینک را روی چشم‌هایش گذاشت، بهت‌ش زد. به اطراف نگاه می‌کرد و می‌گفت چرا همه جا آنقدر روشن شده. از خوشحالی انگار بال درآورده بود و همین‌طور بالا و پایین می‌پرید

بست: «شنیدم هلال‌احمر استان می‌خواهد گروهی از پزشکان و پرستاران را در قالب یک تیم درمانی به سیستان و بلوچستان اعزام کند. آنها به یک اپتومتر بست نیاز داشتند تا نمره چشم بچه‌ها را بگیرد. وقتی این خبر به من رسید بی‌درنگ گفتم من هم ۶۰ عینک رایگان برای بچه‌های سیستان هدیه می‌کنم. دستگاه اپتومتری مغازه را هم برداشتم و همراه تیم راهی سیستان شدم.» منتظری مکتی می‌کند و ادامه می‌دهد: «اما همین که به روستای ایدوچ رسیدیم، نظرم عوض شد. وقتی فقر و محرومیت مردم را دیدم و از کودکی شنیدم که چند روز است که فقط نان و آب می‌خورند با خودم گفتم هر چه نیاز داشته باشند برایشان عینک می‌سازم. هر تعدادی که بشود. آن چند روز ۵۰۰ نفر را معاینه کردم و نمره چشم ۲۰۰ نفر را هم برای ساخت عینک گرفتم تا وقتی به اراک برمی‌گردم برای همه آنها عینک بسازم.» داوطلب اراکی چند روز بعد به قول خود وفا کرد و اینبار همراه همسر، فرزند و عروسش راهی ایدوچ شد.

پخش آگهی‌های روزنامه شهروند: ۴۴۹۵۶۲۰۰-۲

shahrvand.agahiha@gmail.com



روز نیت

راهکارهای سازمانی آسیاتک

تلفن ثابت سازمانی
پهنای باند اختصاصی
دییتاسنتر

۱۵۴۴
asiatech.ir

آسیاتک
asiatech